



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی

موضوع:

بررسی و مقایسه هوش های چندگانه در دانش آموزان پسر نابینا و بینا مقطع

راهنمایی شهر تهران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر پرویز شریفی در آمدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر اسماعیل سعدی پور

استاد داور:

سرکار خانم دکتر شهلا پزشک

پژوهشگر:

حافظ پادروند

زمستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

یگانه منجی عالم بشریت؛

قلب عالم امکان و وجود:

مهدی موعود (عج)

خداوندا، این توفیق جز در سایه مرحمت تو میسر نبود، امید که مرا در ادامه این میسر نیز از
لطف خود محروم نسازی

برخورد لازم می دانم از

جناب آقای دکتر پرویز شریفی در آمدی؛ استاد راهنمایم

جناب آقای دکتر اسماعیل سعدی پور؛ استاد مشاورم

سرکار خانم دکتر شهلا پزشکی؛ که زحمت داوری این پایان نامه را بر عهده گرفتند

و

برادرم، بهزاد که در تمام زندگی پشتیبانم بوده

کمال تشکر را داشته باشم، چرا که اتمام پایان نامه بدون آنها میسر نبود.

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی و مقایسه هوش های چند گانه گاردنر در دانش آموزان پسر نابینا و بینا مقطع راهنمایی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ می باشد. روش پژوهش حاضر با توجه به هدف آن زمینه یابی از نوع علی مقایسه ای است. همچنین برای برای تجزیه و تحلیل یافته ها از آزمون T مستقل استفاده شده است در این پژوهش جامعه آماری عبارت است از کلیه دانش آموزان پسر نابینا و بینا مقطع راهنمایی که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مشغول به تحصیل می باشند. تعداد ۱۲۰ نفر نابینا و بینا از مناطق ۵ و ۱۲ تهران برای این پژوهش انتخاب شدند. برای انتخاب گروه نمونه در این پژوهش از روش خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان داد که در ۶ مولفه هوشی میان افراد نابینا و بینا تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0.05$) اما در سه مولفه دیگر میان دو گروه تفاوت معناداری مشاهده شد. بدین ترتیب که افراد نابینا در مولفه هوشی وجودی (هستی گرایانه) و موسیقی بالاتر از همتایان بینا خود عمل کردند، اما در مولفه هوشی فضایی پایین تر از افراد بینا بودند ($P < 0.05$). بر اساس یافته های بدست آمده از این پژوهش، پیشنهاد می شود که به توانمندیهای افراد نابینا در زمینه های گوناگون بویژه در زمینه های: موسیقی، هستی گرایانه، که بالاتر از افراد همتای بینای خود عمل کردند، توجه شود همچنین با توجه به هر یک از این توانمندی های امکاناتی در نظر گرفته شود که زمینه هر چه بیشتر استقلال این افراد را در محیط های گوناگون مهیا کند.

واژه های کلیدی: هوش های چند گانه، دانش آموزان نابینا و بینا

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

۲.....	مقدمه.....
۳.....	بیان مسئله.....
۴.....	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۸.....	اهداف پژوهش.....
۸.....	فرضیات پژوهش.....
۹.....	متغیرهای پژوهش.....
۹.....	تعریف مفاهیم تحقیق.....
۹.....	الف: تعاریف نظری.....
۱۰.....	ب): تعاریف عملیاتی.....

فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق

۱۴.....	مقدمه.....
۱۴.....	مبانی نظری.....

ماهیت هوش..... ۱۴

عوامل موثر در هوش..... ۱۵

هوش و سایر فرایندهای شناختی..... ۱۷

نظریه های هوش..... ۱۹

گاردنر و هوش های چندگانه..... ۲۳

تاثیر نظریه هوش های چندگانه در آموزش و پرورش..... ۲۶

نابینایی..... ۲۷

تاریخچه توجه به آموزش نابینایان در ایران و خارج از ایران..... ۲۹

تعریف آسیب بینایی..... ۳۱

ویژگی های روانی و رفتاری کودکان نابینا..... ۳۱

ملاحظات آموزشی..... ۳۴

روش های آموزش نابینایان..... ۳۵

تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور..... ۳۷

نتیجه گیری از پژوهش های انجام شده..... ۴۴

فصل سوم: روش اجرای تحقیق

روش پژوهش..... ۴۶

جامعه پژوهش..... ۴۶

نمونه پژوهش..... ۴۶

روش نمونه گیری..... ۴۶

ابزار اندازه گیری..... ۴۶

روند اجرا..... ۴۷

روش تجزیه و تحلیل داده ها..... ۴۷

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

مقدمه..... ۴۹

بخش اول: آمار توصیفی..... ۴۹

بخش دوم: آمار استنباطی (بررسی فرضیه های پژوهش)..... ۵۰

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

مقدمه..... ۶۱

بررسی فرضیات پژوهش..... ۶۱

بحث و نتیجه گیری..... ۶۴

محدودیت های پژوهش..... ۶۴

پیشنهاد های پژوهشی..... ۶۴

پیشنهاد های کاربردی..... ۶۵

منابع

منابع فارسی..... ۶۷

منابع انگلیسی..... ۷۲

ضمائم

پرسش نامه هوش های ۹ گاردنر..... ۷۷

فهرست جداول

جدول ۱-۴ شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش در گروه بینا..... ۴۹

جدول ۲-۴ شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش در گروه نابینا..... ۵۰

جدول ۳-۴ مقایسه میانگین های دو گروه در هوش طبیعت گرایانه..... ۵۱

جدول ۴-۵ مقایسه میانگین های دو گروه در هوش موسیقایی..... ۵۲

جدول ۴-۶ مقایسه میانگین های دو گروه در هوش منطقی- ریاضی..... ۵۳

جدول ۴-۷ مقایسه میانگین های دو گروه در هوش درون فردی..... ۵۴

جدول ۴-۸ مقایسه میانگین های دو گروه در هوش کلامی..... ۵۵

جدول ۴-۹ مقایسه میانگین های دو گروه در هوش بدنی- جنبشی..... ۵۶

جدول ۴-۱۰ مقایسه میانگین های دو گروه در هوش هستی شناسانه..... ۵۷

جدول ۴-۱۱ مقایسه میانگین های دو گروه در هوش بین فردی..... ۵۸

جدول ۴-۱۲ مقایسه میانگین های دو گروه در هوش فضایی..... ۵۹

فهرست نمودارها

- نمودار ۴-۱ میانگین هوش طبیعت گرایانه به تفکیک دو گروه نابینا و بینا..... ۵۱
- نمودار ۴-۲ میانگین هوش موسیقایی به تفکیک دو گروه نابینا و بینا..... ۵۲
- نمودار ۴-۳ میانگین هوش منطقی - ریاضی به تفکیک دو گروه نابینا و بینا..... ۵۳
- نمودار ۴-۴ میانگین هوش درون فردی به تفکیک دو گروه نابینا و بینا..... ۵۴
- نمودار ۴-۵ میانگین هوش کلامی به تفکیک دو گروه نابینا و بینا..... ۵۵
- نمودار ۴-۶ میانگین هوش بدنی - جنبشی به تفکیک دو گروه نابینا و بینا..... ۵۶
- نمودار ۴-۷ میانگین هوش هستی شناسانه به تفکیک دو گروه نابینا و بینا..... ۵۷
- نمودار ۴-۸ میانگین هوش بین فردی به تفکیک دو گروه نابینا و بینا..... ۵۸
- نمودار ۴-۹ میانگین هوش فضایی به تفکیک دو گروه نابینا و بینا..... ۵۹

فصل اول

کلیات تحقیق

بسیاری از مردم هوش را به عنوان یک خصوصیت اولیه که انسان را از حیوانات متمایز می کند در نظر می گیرند. اما هوش چیست؟ آیا آن چیزی شبیه به زرننگ بودن یا توانایی که خیلی پیچیده تر از آن است در نظر گرفته می شود؟ و اینکه آیا آن توانایی یگانه ای است یا اینکه توانایی های چندگانه ای است؟ در جواب این سوالات می توان گفت که هوش را می توان از چندین راه و دیدگاه تعریف کرد و حتی متخصصان هنوز نتوانسته اند، علاوه بر تعاریف گوناگونی که از هوش کرده اند به تعریف واحدی دست پیدا کنند (نيسر¹ و همکاران، ۱۹۹۶).

وجود توانایی های گوناگون هوشی آدمی را قادر می سازد که نقش های گوناگون از قبیل: فیزیکیان، کشاورز، شمن و ساحر، و رقصنده در پیش گیرد. در این رابطه گاردنر یادآور می شود که هر هوش نه «چیز یا وضعیتی معین در مغز»، بلکه توان بالقوه ای است که حضورش، به گونه های فکری متناسب با موقعیت خاص در شخص میدان می دهد. گاردنر ۸ نوع هوش را که مستقل از یکدیگرند قائل است که هر یک بر حسب موازین مختص به خود به صورت دستگامی جداگانه از هم کار می کنند. وی همچنین معتقد است که مردمان طبیعی و بهنجار از انواع هوش به طور نسبی بهره مندهستند، لیکن ترکیب یگانه ای از انواع هوش های ضعیف و قوی، وجه اختصاصی هر آدمی است (اتکینسون، محمدتقی براهنی و همکاران ۱۳۸۵).

در جوامع همواره افراد بوده اند که به خاطر حوادث، بیماریها و دیگر عوامل، بینایی خود را از دست داده اند. نابینایان در جوامع از نظر قدمت حضور بیش از دیگر گروه های افراد دارای ناتوانی شناخته شده هستند، لیکن به لحاظ اجتماعی تنها به گونه ای خاص مورد توجه واقع شده اند. دو فعالیت عمده در جوامع برای نابینان بیشتر حول محور ها فروشندگی و تلفنچی خلاصه شده بود. حرکت های فزاینده برای حضور بیشتر معلولان در جوامع بعد از سال ۱۹۸۰ باعث تقویت میزان حضور و تنوع این افراد در اجتماعات شده است. وجود توانایی های گوناگون هوشی در میان نابینایان امکان ادامه تحصیل در مدارج عالی و کسب توفیق در بازار کار و درسی خصوصا رشته های مختلف علوم انسانی را فراهم نموده است. هر چند هنوز این امر مورد قبول دست اندکاران در جوامع و بخصوص کشورهای در حال توسعه قرار نگرفته است. اما آنچه که مسلم است این که این افراد می توانند این نقص را از طریق رشد سایر حواس و فعالیت های شناختی جبران کنند (شفیعی و شریفی در آمدی، ۱۳۸۵).

¹ - Neisser

بیان مساله

یکی از کسانی که دست به تعریفی از هوش زده است، هاوارد گاردنر^۱ است وی هوش را نه یک توانایی بلکه مجموعه ای از توانایی ها در نظر می گیرد که هر فردی ضمن دارا بودن توانایی های نسبی در تمام هوش هادریکی از آنها زنده تراست. گاردنر ۹ گونه هوش را مقوله بندی کرده است: هوش دیداری- فضایی^۲، هوش منطقی- ریاضی^۳، وجودی (هستی گرایانه)^۴، هوش کلامی-زبانی^۵، هوش موسیقایی^۶، هوش بدنی-جنبشی^۷، هوش بین فردی^۸، هوش درون فردی^۹، هوش طبیعت گرا^{۱۰} (گاردنر، ۱۹۸۳).

تئوری هوش چندگانه گاردنر می تواند یک سکو و یک راهنما را برای معلمان به منظور استفاده از راهکارهایی یک پارچه و فعالیت های آموزشی به منظور برآورده کردن نیازهای مختلف دانش آموزان فراهم کند (سیلار^{۱۱}، ۲۰۰۸).

از دیرباز عقیده بر این بوده که افراد نابینا قادرند که بر بسیاری از مشکلات خود که در ارتباط با این شرایط (نابینایی) است از طریق رشد حسی و توانایی های شناختی شگفت آورشان غلبه کنند (واگنر لامپل و الیور^{۱۲}، ۱۹۹۴).

توانایی های هوشی یک نقش اساسی را در زندگی افراد نابینا ایفا می کند، بعلاوه اینکه در غیاب توانایی های کافی ذهنی و عدم وجود هر نوع کنترل دیداری، افراد نابینا چگونه می توانند به اشیاء (از جمله شهرها، حیوانات وحشی...) توسط خودشان دست بزنند و آنها را به خوبی لمس کنند و چگونه می توانند اطلاعات را در محیط هایی

-
- 1- Gardner
 - 2- Spatial
 - 3- Logical - mathematical
 - 4- Spiritual intelligence
 - 5- Liguistic
 - 6- Musical
 - 7- Bodily-kinesthetic
 - 8- Interpersonal
 - 9- Intrapersonal
 - 10- Naturalistic
 - 11- Sellars
 - 12- Vagner and oliver

که با آن آشنا نیستند و به محیط اطراف حرکت کنند بدست آورند. درحقیقت این توانایی های هوشی است که نقش مهمی را در زندگی افراد نابینا ایفا می کند (دولین^۱، ۲۰۰۷).

نابینایی^۲ یک پدیده آشکار و مشخص می باشد که در میان صاحب نظران دو نوع تعریف را در خود جای داده است. یکی تعریف پزشکی و دیگری آموزشی. براساس تعریف پزشکی فردی نابینا است که در بهترین حالت دید، حتی با اصلاح دید (مثلا، استفاده از عینک) تیزی^۳ دارد. براساس تعریف آموزشی فرد نابینا کسی است که شدت آسیب بینایی او به حدی است که برای آموزش و یادگیری خواندن نیاز به استفاده از بریل و دیگر روش های شنیداری (نوارها و صفحه های شنیداری) دارند (هالان، کافمن، علیزاده و همکاران، ۱۳۸۸).

یافته های فراوانی وجود دارد که پیشنهاد می کنند افراد نابینا می توانند نقص دیداری خود را از طریق تکیه بر تمریناتی که مبتنی بر توانایی های حسی است جبران کنند، درحقیقت این احتمال وجود دارد که افراد نابینا میتوانند فقدان بینایی را هم در سطح ادراکی و هم در سطح شناختی جبران کنند (رادر^۳ و همکاران، ۲۰۰۰).

با توجه به پژوهش های فوق الذکر مساله اصلی در تحقیق فعلی بررسی و مقایسه مولفه های هوش های چند گانه گاردنر در دو گروه یعنی دانش آموزان نابینا و بینا می باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

باتوجه به انجام تحقیقات گوناگون در زمینه هوش، وساخت و تدوین ابزارهایی به منظور سنجش آن، بی جهت نیست که آموزش و پرورش هر کشوری یکی از معیارها و ملاک های اصلی خود را در ارائه تسهیلات و خدمات آموزشی هوش و مولفه های آن می داند. آموزش و پرورش تا جایی که می تواند به سنجش دقیق این توانایی و استعداد از طریق ابزارهای گوناگون از جمله: مشاهدات معلم، آزمون های هنجار شده، پرسشنامه ها، گزارش والدین و دیگر ابزارها می پردازد. چنانچه آموزش و پرورش و دیگر نهادها و سازمان ها بتوانند هوش و دیگر استعدادها و توانایی های دانش آموزان و یا کارکنان را به دقت بسنجند تا حدی توانسته است به اهداف

1- Dulin

2- Blidness

3- Roder. et al

خود نزدیک شود. زیرا از این طریق آگاه می شوند که خدمات خود را باید به چه کسانی و به چه میزانی ارائه کنند (سیف نراقی ونادری، ۱۳۸۸).

در این جا آموزش و پرورش با دو طیف از دانش آموزان روبه رو بوده است. طیف اول دانش آموزان عادی و طیف دوم دانش آموزان استثنایی هستند، که با توجه به توانایی ها و محدودیت هایی که دارند خدمات آموزشی خاصی را می طلبند. دسته خاصی از این افراد استثنایی نابینایان هستند که در جامعه ما رقمی در حدود ۵ تا ۸ دهم درصد را به خود اختصاص داده اند. بر اساس مهمترین مطالعه اپیدمیولوژیک آمار کم بینایی در سطح شهر تهران، ۲/۱۳ درصد و آمار نابینایان ۰/۲۸ درصد است. چنانچه این آمار به کل کشور تعمیم داده شود، حدود یک میلیون و چهارصد هزار نفر در کشور از اختلالات نابینایی رنج می برند. ۹۰ درصد آمار نابینایی مربوط به کشورهای در حال توسعه است که کشور ایران از جمله این کشورهاست (کاکاوند، ۱۳۸۸).

پژوهش فعلی درصدد است تا به بررسی و به موازات آن مقایسه هوش های چندگانه گاردنر در میان دو گروه دانش آموزان نابینا و بینا پردازد. با توجه به آن که نابینایی از جمله معلولیت هایی است که گریزی از آن نیست، از این رو نتایج تحقیق فوق الذکر از لحاظ برنامه ریزی درسی و آموزشی و توانبخشی و حتی بهره وری اقتصادی نابینایان حائز اهمیت فراوان است و همچنین می تواند به صورت راهبردهایی در زمینه طراحی فضاهای خاص نابینایان و در زمینه آموزش آنان موثر باشد و اینکه نتایج حاصل از این تحقیق می تواند دیدگاه جامعه و خانواده را در مورد نابینا تغییر دهد.

پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقی که به شکل مستقیم به بررسی و مقایسه هوش های چند گانه در دانش آموزان نابینا و بینا پرداخته باشد انجام نشده است. اما چندین تحقیق چه در داخل و چه در خارج از کشور به بررسی توانایی هوشی و شناختی افراد نابینا پرداخته اند.

تحقیقات داخلی:

زمانی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه ای هوش های چندگانه با مهارت های زندگی در دانشجویان» به این نتیجه رسید که بین هوش وجودی (هستی گرایانه) با مهارت زندگی در دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

هاشمی (۱۳۸۳) در تحقیقی که با عنوان «بررسی رابطه ای هوش های چندگانه گاردنر با انتخاب رشته تحصیلی» انجام داد. به این نتیجه دست پیدا کرد که دانش آموزان گروه ریاضی در مقایسه با گروه هنر و علوم انسانی از هوش منطقی- ریاضی بالاتری برخوردارند. همچنین دانش آموزان گروه ریاضی از هوش زبانی بالاتری نسبت به گروه هنر برخوردارند.

در پژوهش دیگری که توسط اسحاق نیا و سیف (۱۳۸۵) به منظور بررسی میزان هماهنگی بین رشته های تحصیلی و هوش های چندگانه و تاثیر این هماهنگی بر نگرش نسبت به رشته های تحصیلی انجام شد، همبستگی میان انواع هوش ها تایید نشد. همچنین دانش آموزان گروه ریاضی از هوش زبانی بالاتری نسبت به گروه هنر برخوردارند.

در پژوهشی که توسط پزشکی (۱۳۸۳) تحت عنوان بررسی و مقایسه هوش هیجانی در دختران کم بینا و بینا مقطع دبیرستان شهر تهران انجام شد، نتایج حاصله نشان داد که تفاوت معناداری بین دختران کم بینا و نابینای مقطع دبیرستان وجود ندارد.

پژوهشی که توسط ولی زاده (۱۳۸۵) تحت عنوان «بررسی و مقایسه تحولی درک مفهوم مرگ در دانش آموزان نابینا پایه چهارم ابتدایی، دوم راهنمایی و سوم دبیرستان» انجام شد، نتایج نشان دادند که نابینایی تاثیری در درک مفهوم مرگ در این سنین نداشته است و افراد نابینا به طور کامل به درک این مولفه در این سن می رسند.

یافته های خجسته مهر (۱۳۷۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی سازگاری نابینایان» حاکی از تفاوت افراد نابینا و بینا در زمینه ویژگیهای شخصیتی و سازگاری است نه با این مضمون که افراد نابینا در زمینه های بالا پایین ترند بلکه تفاوت ناشی از بازخوردهای اجتماعی و شرایط فرد نابینا ناشی می شود نه از خود معلولیت.

پژوهش دیگری که تحت عنوان «بررسی و مقایسه رشد اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۶ نابینا، کم بینا و بینای شهر تهران و اصفهان» توسط عباسی (۱۳۷۷) با نمونه ای به حجم ۱۲۰ انجام شد. نتایج نشان دادند که بین افراد نابینا، کم بینا و

عادی در مولفه های: رشد اجتماعی، مسئولیت پذیری و ارتباط و سازگاری با دیگران تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

پژوهشی که توسط برزگر و جهی آبادی (۱۳۸۴) تحت عنوان «بررسی مقایسه میزان کمرویی دانشجویان دختر و پسر نابینا، کم بینا، و عادی دانشگاههای شهر تهران» با نمونه ای به حجم ۱۲۴ نفر انجام شد. نتایج حاصله نشان دادند که اختلاف معناداری میان گروههای مورد بررسی وجود ندارد.

(شریفی در آمدی، ۱۳۸۱) به نظر می رسد مفهوم فضا بیش از سایر مفاهیم برای کودکان نابینا مشکل آفرین باشد.

تحقیقات خارجی:

کائف^۱ و می (۲۰۰۶) در مقاله ای با عنوان «تصویر سازی، استدلال و نابینایی» سه دسته افراد را که شامل آزمودنی های بینا، آزمودنی های چشم بسته و نابینای مادرزادی بودند بر اساس استدلال فضایی و تصویر سازی مورد مقایسه قرار دادند، آنها دریافتند که در تمامی دوره ها افراد نابینا کمتر درست عمل می کنند و در این کار دارای سرعت پایین تری بودند.

در مطالعه ای که توسط آریل روکیم و میراویسار^۲ (۲۰۰۸) تحت عنوان «تعامل شناخت و توانایی های شنیداری در نابینایان مادرزادی» انجام شد آنها دریافتند که نابینایان مادرزادی عملکرد بالایی در ادراک و امورحافظه دارند و همچنین این کودکان توانایی کلامی بالایی را دارند.

تحقیقی که توسط (پرز^۳، پریرا^۴ و کانتی رامسدن^۵، ۱۹۹۹، به نقل از هالان و کافمن؛ ۲۰۰۳) انجام شد نشان داد که افراد با اختلال بینایی هیچ اختلالی در کارکردهای زبانی ندارند. همچنین کودکان نابینا که فقط از طریق شنیدن زبان را یاد می گیرند انگیزه بیشتری نسبت به کودکان عادی در استفاده از زبان دارند زیرا آنها از این طریق با دیگران ارتباط برقرار می کنند.

1- Khauff and May

2- Arier Rokem and merav Anissar

3- Perez

4- Pereira

5- Conti Ramsden

اهداف پژوهش

پژوهش فعلی به دنبال یک هدف کلی تحت عنوان «بررسی و مقایسه هوش های ۸ گانه گاردنر در پسران دانش آموز نابینا و بینا شهر تهران» است. و در ادامه آن هدف های جزئی را دنبال خواهد کرد که عبارتند از:

- تعیین تفاوت هوش طبیعت گرایانه بین دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران.
- تعیین تفاوت هوش منطقی- ریاضی بین دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران.
- تعیین تفاوت هوش کلامی - زبانی بین دانش آموزان نابینا پسر و بینا شهر تهران.
- تعیین تفاوت هوش بدنی- جنبشی بین دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران.
- تعیین تفاوت هوش موسیقایی بین دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران.
- تعیین تفاوت هوش بین فردی بین دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران.
- تعیین تفاوت هوش درون فردی بین دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران.
- تعیین تفاوت هوش طبیعت گرایی بین دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران.
- تعیین تفاوت هوش وجودی (هستی گرایانه) بین دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران.

فرضیات پژوهش

- (۱) بین هوش طبیعت گرایانه دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد.
- (۲) بین هوش موسیقایی دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد.
- (۳) بین هوش منطقی - ریاضی دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد.
- (۴) بین هوش وجودی (هستی گرایانه) دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد.
- (۵) بین هوش بین فردی دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد.

۶) بین هوش بدنی - جنبشی دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد

۷) بین هوش کلامی - زبانی دانش آموزان نابینا و بینا تفاوت معناداری وجود دارد.

۸) بین هوش درون فردی دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد.

۹) بین هوش وجودی دیداری - فضایی دانش آموزان پسر نابینا و بینا شهر تهران تفاوت معناداری وجود دارد.

متغیرهای تحقیق

در این پژوهش هر یک از هوش های ۹ گانه گاردنر متغیر مستقل و دانش آموزان نابینا و بینا متغیر وابسته است. همچنین در این پژوهش جنسیت، و مقطع تحصیلی متغیر تعدیل کننده است.

تعریف مفاهیم تحقیق

الف) تعاریف نظری

۱) هوش کلامی - زبانی: این مقوله بیانگر توانایی افراد در یادگیری، فهم، و کاربرد زبان نوشتاری و بیانی است.

۲) هوش بدنی - جنبشی: این مقوله بیانگر توانایی افراد در استفاده از یک یا چند قسمت از بدن برای حل مشکلات یا خلق تولیداتی است.

۳) هوش منطقی - ریاضی: این مقوله بیانگر توانایی افراد در تجزیه و تحلیل اطلاعات و مسائل منطقی و همچنین حل مسائل ریاضی است.

۴) هوش موسیقایی: این مقوله نمایانگر تولید و درک بالای موسیقی در فرد است.

۵) هوش فضایی: این مقوله بیانگر توانایی افراد در استدلال و حل مسائل در ابعاد سه گانه فضا است.

۶) هوش بین فردی: هوش بین فردی نمایانگر توانایی افراد در برقراری ارتباط و درک ارتباط دیگران

است

۷) هوش درون فردی: نمایانگر توانایی افراد در آگاهی و انعکاس حالات درونی خود می باشد.

۸) هوش طبیعت گرا: بیانگر توانایی افراد در تشخیص، طبقه بندی، و فهم گیاهان و حیوانات در یک محیط است (گاردنر، ۱۹۹۹ به نقل از سیف ۱۳۸۷).

۹) هوش وجودی (هستی گرایانه): قابلیت فرد در شناختن خویشتن در مجموعه هستی از اول تا ابد، موقعیت های فرد در چهارچوب زندگی و ارتباط با سایر موجودات، غایت جهان مادی و معنوی و تجربه های پیچیده همچون سرمایه گذاری عاطفی بر یک موضوع انسانی و یا یک زمینه فردی اطلاق کرد (گاردنر ۲۰۰۲، به نقل از سیف).

نابینایی: محدودیت در فرایند دیدن که این محدودیت آنقدر شدید است که در پیشرفت دانش آموزان در یک برنامه آموزش عادی، که با دانش آموزان منطبق شده باشد اختلال ایجاد می کند (شفیعی، شریفی در آمدی، ۱۳۸۵).

(ب) تعاریف عملیاتی

۱) هوش طبیعت گرا: نمره ای که افراد از سوالات ۱ تا ۱۰ آزمون هوش گاردنر بدست می آورند هوش طبیعت گرا او را مشخص می کند.

۲) هوش موسیقی: نمره ای که افراد از سوالات ۱۱ تا ۲۰ در آزمون هوش گاردنر بدست می آورند هوش موسیقی آنها را مشخص می کند.

۳) هوش منطقی-ریاضی: منظور نمره ای است که افراد از سوالات ۲۱ تا ۳۰ آزمون هوش گاردنر بدست می آورند.

۴) هوش وجودی (هستی گرایانه): منظور نمره ای است که افراد از ۳۱ تا ۴۰ آزمون هوش گاردنر بدست می آورند.

۵) هوش بین فردی: منظور نمره ای است که آزمودنی از سوالات ۴۱ تا ۵۰ آزمون هوش گاردنر بدست می آورند.